

# اشک تمساح



چهره صادق هدایت، اثر سورویوگین

روشنفکران را  
مارکیست یا نزدیک  
به مارکیسم بود  
(سمپاتیزان) و در بدو  
امر من اصرار داشتم  
این جلسات در منزل  
صادق هدایت باشد.  
علت هم پرواضح بود:  
من خیال می کردم که  
در این جلسات باید  
بیش از پیش عناصری  
مانند صادق هدایت  
وارد این محفل شوند و  
در اینجا بحث های  
علمی و ادبی از نظر  
مارکیستی به عمل  
بیاید. اگر مادر منزل  
هدایت جمع  
نمی شدیم مشکل بود

که خود هدایت اهل جلسه و اجتماع باشد. این کار  
را کردیم و هدایت هم آمد. این محفل از همه  
بزرگتر بود. عده زیادی در آنجا جمع می شدند. و  
شاید این کار در سال ۱۳۲۱ بود. کسانی را که در  
این جلسه جمع می شدند می توانیم اسم ببریم.  
اینان عبارت بودند از نوشین، صبری، ملکی،  
کیانوری، قاسمی، قریشی، علی علوی و  
خیلی های دیگر. طبیعی است من قبلا با رفقا  
طبری، نوشین، ملکی، کیانوری، قاسمی در این  
زمینه بحث و مشورت کرده به این تصمیم  
رسیدیم. با خود صادق هدایت هم صحبت کردم.  
او رضایت خود را داد ولی کم حرف می زد. آدم  
نمی دانست افکار درونی او چه بود؟ خود من  
مدتها در این جلسات شرکت می کردم و مسائل  
علمی و هنری در آن بحث می شد. یادم هست  
روزی متقی ترجمه خود را مطرح کرده بود (گویا

اشک تمساح»  
مقاله ای است از صادق  
هدایت که با امضای  
ک. ز. در شماره  
نخست روزنامه رهبر،  
ارگان مرکزی حزب  
توده ایران، منتشر شده  
است. این شماره در  
دهم بهمن ۱۳۲۱ انتشار  
یافته است. در صفحه  
اول روزنامه می خوانیم  
که اعلان شده است.  
اشک تمساح را در  
صفحه ۳ بخوانید.  
نخستین بار  
دوستم حسین ملک  
بود که ضمن گفتگویی  
از گذشته ها، گفت که  
صادق هدایت تنها یک

مقاله در روزنامه رهبر نوشت که آن هم در شماره  
اول روزنامه بود و عنوان مقاله هم «اشک تمساح»  
بود.

مقاله را که یافتیم (با تشکر از دوست دیگرم  
علی شیرازی که میکروفیلم روزنامه را در اختیارم  
گذاشت) اینجا و آنجا جست و جویی کردم و از این  
و آن هم جويا شدم که از انتساب این مقاله به  
هدایت اطمینان یابم. خاطرات آرداشس (آردشیر)  
آوانسیان را که خواندم دیگر در انتساب این مقاله  
به هدایت جای شکی نماند. او در شرح  
کوشش های خود برای نشر افکار مارکیستی در  
میان روشنفکران می نویسد که در ۱۳۲۱ از جمله  
"ما یک محفل بزرگ علمی مارکیستی نیز دایر  
کردیم و این موضوع را هم پنهان نمی کنیم که این  
کار با من بود و هدف آن هم معلوم. اینجا یک کمی  
پا فراتر گذاشته (منظور) بیشتر جمع آوری

از همکار گرامی آقای بهنام باوندپور سپاسگزار  
هستیم که تصویر این مقاله و مقاله «اشک  
تمساح» را برای نگاه نو فرستادند. مقاله حاضر،  
به عنوان مقدمه ای بر مقاله «اشک تمساح»  
حاوی اطلاعات ارزنده ای است، از همین روی  
چاپ آن را ضرورت تشخیص دادیم. هر دو مقاله  
تصویر تازه ای از ایران زمان پهلوی اول به ویژه  
به خوانندگان جوان نگاه نو می دهد.  
هر دو مقاله عیناً از روی متن موجود  
حروفنگاری شده. در املاء کلمات و رسم خط آنها  
هیچ تغییری داده نشده. جز اینکه نام مطبوعات  
را با قلم ایرانیک زده ایم.

سردبیر

